

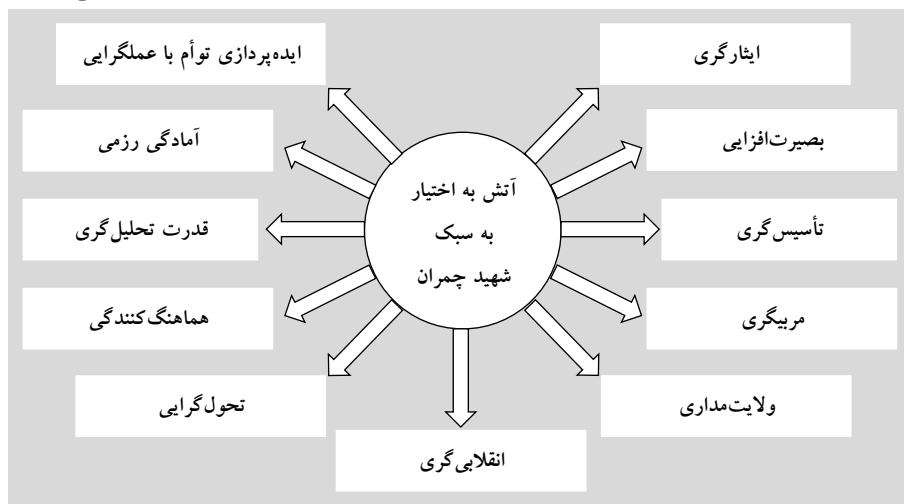
سخن سردبیر

شهید دکتر چمران، الگویی برای سبک مدیریت آتش به اختیار

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار رمضانی سال ۱۳۹۶ با دانشجویان، آنها را به تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه‌دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه توصیه کردند. ایشان در ضمن این بحث فرمودند: «من به همه آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هر کدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار... آنجایی که احساس می‌کنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمی‌تواند درست مدیریت کند، آنجا آتش‌به‌اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید.»

«آتش به اختیار»، اصالتاً تعبیری نظامی است و کاربرد مفاهیم نظامی در حوزه مباحث مدیریت راهبردی بسیار متداول است. در آتش به اختیار بودن، دشمن مشخص است کیست و سرباز از طریق ابتکارات فردی، در راستای راهبردهایی که می‌شناسد، ابزارها، تاکتیک‌ها و ظرفیتهای فردی را بکار می‌گیرد. به عبارت دیگر، آتش به اختیار زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که در قرارگاه و مرکز فرماندهی اختلال پیش می‌آید و یا امکان برقراری ارتباط بین فرمانده و رهبر با هسته عملیاتی وجود ندارد. بنابراین در مفهوم آتش به اختیار اولاً؛ در دستگاه مرکزی اختلال ایجاد می‌شود و ثانیاً؛ هجمه گسترده و بی‌وقفه دشمن را شاهد هستیم. فرمان آتش به اختیار رهبر انقلاب با واکنش‌های گسترده و متفاوتی روبه‌رو شده است و به علت درک نادرست بعضی افراد و گروه‌ها، با برخی کژفهمی‌ها روبه‌رو شد. موضوع این فرمان تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه‌دادن گفتمان انقلاب است و به معنی تجویز بی‌نظمی، هرج و مرج، خودسری و حرکت‌های تخریبی نیست. رویکرد آتش به اختیار، نوعی پیشرفته از سبک مدیریت تفویضی است؛ با این تفاوت که برخلاف سبک تفویضی، در سبک مدیریت آتش به اختیار، ارتباط رهبر با پیروان قطع می‌شود. در این سبک، نقشهای رهبر و پیرو در هم می‌آمیزد و یک فرد توأمان دو نقش را با هم ایفا می‌کند؛ لذا بلوغ فردی که می‌خواهد مجری چنین سبکی باشد، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و بینش و بصیرت شخصی به مثابه آب حیات است. یکی از شیوه‌های تبیین این سبک مدیریتی، روی آوردن به موردکاوی و یافتن مورد‌های واقعی و تجزیه و تحلیل ابعاد آنها برای فهم بهتر موضوع است. همانگونه که در بیانیه گام دوم انقلاب نیز استفاده از تجربه گذشته انقلاب اسلامی مورد توجه ویژه قرار گرفته است، با نگاهی

گذرا به تجربه‌های پیشین انقلاب برای جستجوی الگوی عملی مفهوم آتش به اختیار، ناخودآگاه سلوک رفتاری یک انسان مجاهد و برجسته در گام اول انقلاب، توجهات را بسوی خود جلب می‌کند؛ شهید دکتر مصطفی چمران. با واکاوی زندگی پر برکت شهید چمران، به خوبی می‌توان دریافت که یکی از ویژگیهای بارز آن سردار بزرگ اسلام، آتش به اختیار بودن آن بزرگوار است. در زمان حیات شهید چمران در قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی، دستگاه مرکزی کشور در تصرف دشمنان داخلی و خارجی بود و پس از پیروزی انقلاب نیز که بخش عمده‌ای از دستگاه مرکزی از تصرف دشمن خارج شده بود، ولی به خوبی سامان نیافته بود و بخشی نیز هنوز در تصرف افراد نفوذی و دشمنان انقلاب قرار داشت. از سوی دیگر دشمنان داخلی و خارجی به سرکردگی امریکا و صهیونیسم، هجمه بی سابقه و سنگینی را بر ضد آرمانهای انقلاب اسلامی و مرزهای جغرافیایی کشور آغاز کرده بودند. در این بحبوه‌ها، دکتر چمران با عملکرد ممتاز خود، تجربه‌ای ارزشمند برای ما به یادگار گذاشته است که در توسعه دانش ضمنی مفهوم آتش به اختیار نقش فوق‌العاده‌ای دارد و می‌تواند در تئوریزه کردن این مفهوم کمک شایانی نماید. لذا نگارنده در این نوشتار کوتاه تلاش کرده با بیان شمه‌ای از حیات پر برکت شهید چمران در قبل و بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، الگویی از سبک مدیریت آتش به اختیار شهید چمران ارائه نماید و در ادامه با ذکر نمونه‌هایی از سلوک رفتاری آن شهید بزرگوار، عناصر الگوی مذکور را تشریح کند.



نمودار ۱. الگوی مفهومی سبک مدیریت آتش به اختیار مبتنی بر درس آموخته‌های شهید دکتر چمران

۱. ایثارگری

حالت عرفانی شهید چمران بر همه حالات او در زندگی غلبه داشت. شهید چمران در یکی از دل نوشته‌هایش در لبنان می‌نویسد: من در روزگار حیات خود جز حق نگفته‌ام، جز رضای خدا و طریقه حقیقت راهی نرفته‌ام، دلی را نیازرده‌ام، به کسی ظلم نکرده‌ام (جز به خودم و نزدیک‌ترین کسانم. آن هم در راه حق...) همیشه سعی داشته‌ام حتی موری را آزار ندهم، همیشه سمبل مهر و وفا و وفاداری بوده‌ام... ولی همیشه درد و رنج، قوت و غذایم بوده است.^۱

دکتر چمران در سمت معاونت نخست‌وزیر، در امور انقلاب شب و روز خود را به خطر می‌انداخت تا سریعتر و قاطعانه‌تر مسئله کردستان را فیصله دهد و در قضیه فراموش ناشدنی پاره نیز قدرت ایمان و اراده آهنین و شجاعت و فداکاری او بر همگان ثابت شد. در آن شب مخوف که باران گلوله می‌بارید و می‌رفت تا آخرین نقطه مقاومت نیز در خون پاسداران غرق شود، دکتر چمران با شهامت، شجاعت و ایثارگری فراوان توانست آن شب هولناک را با پیروزی به صبح امید متصل کند.

شهید چمران پیشاپیش یارانش به شوق کمک و دیدار برادران محاصره‌شده در سوسنگرد، به سوی این شهر می‌شتافت که در محاصره تانک‌های دشمن قرار گرفت. او سایر رزمندگان را به سوی دیگری فرستاد تا نجات یابند و خود را به حلقه محاصره دشمن انداخت. خبر زخمی شدن سردار پر افتخار اسلام در نزدیکی دروازه سوسنگرد، شور و هیجانی آمیخته با خشم و اراده و شجاعت در یاران او و سایر رزمندگان افکند که بی‌محابا به پیش تاختند و سوسنگرد و جان چندصد رزمنده مؤمن را از چنگال صدامیان نجات بخشیدند.

شهید چمران و هم‌رزم شجاعش ایرج رستمی، در زمره اولین کسانی بودند که با حمله‌ای هماهنگ و برق‌آسا، پای به ارتفاعات الله‌اکبر گذاشتند و با فداکاری و قدرت تمام، تپه‌های شحیطیه (شاهسوند) را به تصرف درآوردند، در حالی که دیگران در هاله‌ای از ناباوری به این اقدام جسورانه می‌نگریستند.

۱. در استخراج اطلاعات و داده‌های مربوط به زندگی شهید دکتر چمران از شماره ۳۷ ماهنامه شاهد یاران که در آذرماه ۱۳۸۷ به عنوان یادمان شهید دکتر مصطفی چمران منتشر گردیده، استفاده شده است.

۲. بصیرت‌افزایی

لازمه و پیش‌نیاز آتش به اختیار بودن، بصیرت است. دکتر چمران از ۱۵ سالگی در درس تفسیر قرآن مرحوم آیت‌الله طالقانی و درس فلسفه و منطق استاد شهید مرتضی مطهری و بعضی از استادان دیگر شرکت می‌کرد. ایشان در دوران جوانی به اقامه نماز و روزه‌داری و رعایت احکام شرعی بسیار مقید بود. آدم کم‌حرف و در کار مبارزه و پیکار بسیار جدی بود.

شهید چمران برخی دروس حوزوی را خوانده بود و برادرش مهندس مهدی چمران نقل می‌کند که کتاب‌های شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله صدر و کتاب‌های دیگری که در قم منتشر می‌شد، از جمله مهمترین هدایایی بود که برایش به امریکا می‌فرستادند.

دکتر چمران در زمینه کمونیزم و مسائل حزب توده و نظایر آن مطالعات ایدئولوژیک خوبی داشت و از تراوشات فکری آیت‌الله طالقانی هم از ۱۵ سالگی که به درس تفسیر او می‌رفت، استفاده می‌کرد. وی به علت برخورداری از بینش عمیق مذهبی، از ملی‌گرایی و رای اسلام‌گریزان بود و وقتی در مصر مشاهده کرد که جریان ناسیونالیسم عربی باعث تفرقه مسلمین می‌شود، به جمال عبدالناصر اعتراض کرد.

شهید چمران در راستای اتحاد، یکپارچگی و همدلی پیروان طوایف مختلف لبنان؛ بویژه روابط مسلمانان و مسیحیان، در اندیشه و عقیده خود تعصب و افراط‌گری نداشت و با دید انسانی و اسلامی به افراد جامعه نگاه می‌کرد. شهید چمران در یکی از دلنوشته‌های خود می‌نویسد: «تصمیم گرفتم که جز خدا نپرستم و جز در مقابل حق و حقیقت تعظیم نکنم و در برابر هیچ قدرتی جز خدا تسلیم نشوم.» در جایی دیگر می‌نویسد: «من حاضر نیستم که از خودم دفاع کنم. بنابراین تهمت‌ها، دروغ‌ها و توطئه‌ها را جواب نخواهم داد و اصراری ندارم که نتیجه چه خواهد شد. وی همچنین در یکی از یادداشت‌های خود در لبنان می‌نویسد: «خدایا چه نعمت بزرگی به من عطا کرده‌ای که از مرگ نهراسم و در مقابل تهدید و تطمیع کوتاه‌نظران و سفلگان به زانو در نیایم.»

شهید چمران در ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ بعد از بازگشت به ایران، در یکی از دست‌نوشته‌های خود خطاب به مادرش می‌نویسد: ای مادر، بعد از ۲۲ سال به میهن عزیز خود باز می‌گردم و به تو اطمینان می‌دهم که در این مدت دراز حتی یک لحظه خدا را فراموش نکردم، عشق او آنقدر با تار و پود وجودم آمیخته بود که یک لحظه حیات من بدون حضور او میسر نبود.

۳. تأسیس گری

شهید چمران در سازماندهی و انسجام‌دادن به کارها کم نظیر بود. وی از اولین اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران بود. در مدتی که شهید چمران در امریکا حضور داشت، با همکاری بعضی از دوستانش، برای اولین بار انجمن اسلامی دانشجویان امریکا را پایه‌ریزی کرد و از مؤسسين انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در کالیفرنیا بود و به دلیل فعالیتهای گسترده‌ای که داشت، بورس تحصیلی شاگرد ممتازی وی از سوی رژیم شاه قطع شد. این انجمن به فعالیتهای سیاسی و مذهبی گوناگون دست می‌زد. به‌طور مثال این انجمن هنگام سفر شاه به امریکا تظاهرات گسترده‌ای در برابر کاخ سفید برگزار کرد که تأثیر به‌سزایی روی افکار عمومی مردم امریکا داشت. این تظاهرات باشکوه توانست افکار عمومی امریکا را نسبت به رویدادهای داخلی ایران آگاه کند.

در مصر که بود، تشکیلاتی به نام «سماح» به‌وجود آورد که بسیار مخفی و زیر زمینی بود. بعد از فوت عبدالناصر، ایجاد پایگاه چریکی مستقل برای تعلیم مبارزان ایرانی ضرورت پیدا می‌کند و لذا دکتر چمران رهسپار لبنان می‌شود تا چنین پایگاهی را تأسیس کند. او به کمک امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان، حرکت محرومین و سپس جناح نظامی آن، سازمان امل را بر اساس اصول و مبانی اسلامی پی‌ریزی کرد و این فعالیتها بود که زمینه پایه‌گذاری جنبش حزب‌الله لبنان را فراهم نمود.

شهید چمران برای اینکه جوانان شیعه در لبنان اطلاعات علمی و صنعتی و هنری و فنی بیشتری کسب کنند و کارآمد باشند، هنرستان صنعتی «العالمیه» را تأسیس کرد که تعدادی از معلمان شیعی در آن تدریس می‌کردند.

هنگامی که وارد لبنان شد، بی‌درنگ با امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان همکاری کرد و در نتیجه این همکاری، جنبش محرومان توسط امام موسی صدر پایه‌گذاری شد. از آنجا که وضعیت شیعیان لبنان بسیار نامناسب بود و از بسیاری امتیازات سیاسی محروم بودند، این جنبش تا حدودی توانست خواسته‌ها و حقوق شیعیان را به آنان مسترد گرداند. یکی از اهداف این جنبش این بود که شیعیان به حقوق خود آشنا شوند. این حرکت محرومان به شیعیان اصالت بخشید و به آنها انسجام بیشتری داد. پس از پایه‌گذاری جنبش محرومان، حرکت امل تشکیل شد که بازوی نظامی جنبش محرومان بود. شهید چمران آموزش‌های نظامی را که دیده بود به بچه‌های جنبش امل منتقل

می‌کرد و شاید بتوان گفت که این فعالیتها زمینه پایه‌گذاری جنبش حزب‌الله را فراهم نمود. شهید چمران از روزهای اول انقلاب در اندیشه تشکیل هسته‌های مردمی برای دفاع از انقلاب و برقراری امنیت در شهرها بود. ستاد جنگ‌های نامنظم یکی از فعالتهای مهم تأسیسی شهید چمران بود که نقش مهمی در توقف صدامیان و عقب‌نشینی آنها در روزهای آغازین جنگ ایفا کرد.

۴. مربیگری

دکتر چمران با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، بعد از ۲۲ سال هجرت به وطن باز می‌گردد و همه تجربیات انقلابی و علمی خود را در خدمت انقلاب می‌گذارد؛ خاموش و آرام ولی فعالانه و قاطعانه به سازندگی می‌پردازد و همه تلاش خود را صرف تربیت اولین گروه‌های پاسداران انقلاب در سعدآباد می‌کند. در اهواز گروهی از رزمندگان داوطلب به گرد او جمع شدند و وی با تربیت و سازماندهی آنان، ستاد جنگ‌های نامنظم را تشکیل داد و با ایجاد واحد مهندسی فعال برای ستاد جنگ‌های نامنظم، توانست فکر دشمن را از تسخیر اهواز برای همیشه دور سازد. با فرماندهی شهید چمران، رزمندگان از جان گذشته انقلاب به حرکت در می‌آمدند و همه تجربه‌های انقلابی، ایمان، فداکاری، شجاعت و قدرت رهبری و برنامه‌ریزی دکتر چمران در اختیار نیروهای انقلابی قرار می‌گرفت و در سایه انتقال تجربیات ارزشمند او، عالی‌ترین مظاهر انقلابی و شکوهمندترین قهرمانی‌ها به‌وقوع می‌پیوست. وی علاوه بر آموزش فنون نظامی به رزمندگان اسلام، نمونه‌ای از مربی متعهد بود که در ایجاد تحول روحی هم‌زمانش مثال‌زدنی بود. دکتر چمران شب قبل از شهادتش، در آخرین جلسه مشورتی ستاد، یارانش را با وصایای بی‌سابقه‌ای نصیحت کرده بود و خدا می‌داند که در پس چهره ساکت، آرام و ملکوتی او چه غوغا و چه شور و چه هیجانی از شوق رهایی، رستن از غم و رنج‌ها، شنیدن دروغ و تهمت‌ها و دم بر نیاوردن‌ها و از شوق شهادت برپا بود.

۵. ولایت‌مداری

یکی از ویژگیهای با ارزش شهید چمران این بود که علاقه و ارادتش را به کسانی که واقعاً دوست داشت، صمیمانه در گفتار و نوشتارش منعکس می‌کرد. او واقعاً عاشق حضرت علی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام بود و همه جا و همیشه عشق خودش را به آن بزرگواران خیلی زیبا و جالب بیان می‌کرد. ارادت و ولایت‌پذیری ایشان نسبت به امام خمینی (ره) یکی از ویژگیهای

بارز شهید چمران است. در یکی از دست نوشته‌های شهید چمران خطاب به امام خمینی (ره) آمده است: «من آدمی نیستم که برای تعریف از خود نزد شما بیایم و حتی شاید این امر به حدی از افراط برسد که از شدت محبت، به دیدار شما نیایم؛ فقط می‌خواهم که کار خوبی انجام دهم تا شما را خوشحال کنم. اکثر اوقات ابا دارم که حتی کارهای شده را شرح دهم. فقط خداوند بداند کفایت.»

شهید چمران بعد از عملیات پاره در پیام خود به ملت ایران، صدور فرمان امام (ره) را عاملی برای خروج معجزه آسای پاسداران انقلاب توصیه می‌کند و ضمن آرزوی طول عمر رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران می‌نویسد: «در این چند روز مصیبت، می‌توانم به جرأت بگویم که حتی یک قطره اشک نریختم و در برابر سخت‌ترین فاجعه‌های منقلب‌کننده، با اینکه در درون خود گریه می‌کردم، ولی در ظاهر قدرت خود را به شدت حفظ می‌نمودم و همه دردها و رنج‌ها و ناراحتی‌ها را در ضمیر ناب خود حبس می‌کردم، تا لحظه‌ای که در فرمانداری به عکس امام (ره) برخوردیم؛ یکباره سیل اشک، ریختن کرد و همه عقده‌ها و فشارها و ناراحتی‌ها آرامش یافت و خوب احساس می‌کردم که فقط یک قدرت روحی بزرگ در یک ابر مرد تاریخ‌قادر است چنین معجزه‌ای کند و امیدوارم که ملت ما نیز قدر رهبر عظیم و انقلابی خود را بدانند و تحت رهبری او، همه توطئه‌های دشمنان اسلام و ایران را نابود کنند.»

۶. انقلابی‌گری

شهید چمران از دوره جوانی، دارای ابعاد دینی و مذهبی و انقلابی بود و جریان‌ات سیاسی را قبول داشت که هم بُعد اعتقادی داشتند و هم بُعد انقلابی. در جریان ملی‌شدن صنعت نفت که شهید چمران دانش‌آموز سالهای آخر دبیرستان بود، شعار آن زمان این بود که صنعت نفت در سراسر کشور باید ملی شود. دکتر چمران که خطش خوب بود، این شعار را روی پارچه‌ها می‌نوشت و بعد به مردم هدیه می‌داد که روی سینه‌هایشان نصب کنند.

در مبارزات سیاسی دوران دکتر مصدق (از مجلس چهاردهم تا ملی‌شدن صنعت نفت) شرکت داشت و بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، سخت‌ترین مبارزه و مسئولیت‌های او علیه استبداد و استعمار شروع شد و تا زمان مهاجرت از ایران، بدون خستگی و با همه قدرت خود علیه نظام طاغوتی شاه جنگید. در حادثه سی‌ام تیر که بعد از ملی‌شدن صنعت نفت رخ داد، او یکی از فعالینی بود که مقابل مجلس شورای ملی و در سرچشمه، در تظاهرات خونین آن روزها شرکت داشت.

شهید چمران در یکی از دستنوشته‌هایش در خرداد سال ۱۳۵۸ به تبیین معیارهای انقلابی‌گری می‌پردازد: «انقلابی آن نیست که تفنگ بر دوش بکشد و لباس فدایی بپوشد و هنگام صلح دست به جنگ زند و با شعارات تند، خود را از جرگه ملت خارج کند و با شعارات و تبلیغات و زور بخواهد عقاید خود را بر دیگران تحمیل کند. انقلابی آن است که هنگام صلح، به انقلابی‌گری تظاهر نکند، ولی هنگام خطر، در پیشاپیش صفوف ملت با دشمن بجنگد. انقلابی آن نیست که با بی‌انصافی و زرنگی، حق دیگران را بگیرد و مردمی را که برای خاطر و شنیدن حرفهای او نیامده‌اند و اداری کند که ساعتها به حرف‌های او گوش فرا دهند و کسانی را که ملت خواهان استماع سخنانشان هستند، از سخن گفتن باز دارد. انقلابی آن نیست که غرور و خودخواهی بر او غلبه کند و حرف کسی را نشنود، انقلابی آن است که در کمال تواضع و فروتنی، هر حرف حقی را بپذیرد. انقلابی آن است که احتیاج به تصدیق کسی ندارد.»

۷. تحول‌گرایی

دکتر چمران بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به تهران فراخوانده شد و از طرف امام خمینی(ره) به وزارت دفاع منصوب گردید. در این پست برای تغییر و تحول ارتش از یک نظام طاغوتی، به یک سلسله برنامه‌های وسیع بنیادی دست زد که پاکسازی ارتش و پیاده‌کردن برنامه‌های اصلاحی، ارتش را تبدیل به پاسداران امنیت و حافظ انقلاب کرد.

شهید چمران در انتخابش به‌عنوان نماینده مجلس در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز تصمیم داشت در تدوین قوانین و نظام جدید انقلابی، به‌خصوص در ارتش، حداکثر سعی و تلاش خود را بکند تا ساختار گذشته ارتش به نظامی انقلابی و شایسته ارتش اسلامی تبدیل شود. حتی شهادت این سردار سرافراز اسلام نیز همانند حیاتش، موجبات دگرگونی و تحولات جامعه را فراهم کرد. از شهادت انسان‌ساز سردار پر افتخار اسلام، این فرزند هجرت و جهاد و شهادت و اسوه حرکت و مقاومت، نه تنها مردم اهواز و خوزستان، بلکه امت مسلمان ایران و شیعیان محروم لبنان به پا خاستند.

۸. هماهنگ‌کنندگی

یکی از کارهای مهم و اساسی و از همان روزهای اول جنگ، ایجاد هماهنگی بین ارتش، سپاه و نیروهای داوطلب مردمی بود که در منطقه حضور داشتند. بازده این حرکت و شیوه جنگ مردمی

و هماهنگی کامل بین نیروهای موجود، تاکتیک تقریباً جدید جنگی بود. شهید چمران که از محاصره تعدادی از یاران و رزمندگان شجاع خود در شهر سوسنگرد سخت برآشفته بود، با فشار و تلاش فراوان خود و آیت‌الله خامنه‌ای، ارتش را آماده ساخت که برای اولین بار دست به یک حمله خطرناک و حماسه‌آفرین نابرابر بزند و خود نیز نیروهای مردمی و سپاه پاسداران را در کنار ارتش سازماندهی کرد و با نظمی نو و شیوه‌ای جدید به دشمن یورش بردند.

۹. قدرت تحلیل‌گری

شهید چمران تحلیل‌گری بسیار قوی بود. تحلیل‌های او بسیار زیبا و جالب بود. قبل از پیروزی انقلاب و بعد از ۱۷ شهریور، تحلیل بسیار زیبا و روانی از انقلاب اسلامی و وقایع بعد از پیروزی انقلاب داشت. آن موقع که از فروپاشی شوروی اصلاً بحثی مطرح نبود، تحلیل می‌کرد که کشورهای شمالی ایران از دامان کمونیست‌ها بیرون خواهند آمد و به اسلام‌گرایی پیدا خواهند کرد. تحلیل‌های او در کتابی به نام «بینش و نیایش» آمده است. تحلیل‌های او در خصوص جنگ ایران و عراق و تحلیل‌های سیاسی او حتی درباره کسانی مثل یاسر عرفات، از اهمیت زیادی برخوردار بوده است.

در بحث مستدل، بسیار توانمند بود و در دانشگاه کسی نبود که یارای مقاومت در مقابل منطق او را داشته باشد. مثلاً کتابهای حزب توده را خوانده بود و از روی آنها و مستند به گفته‌های خود آنها، به طرفداران حزب توده پاسخ می‌داد.

۱۰. آمادگی رزمی

پس از قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، شهید چمران دست به اقدامی جسورانه و سرنوشت‌ساز می‌زند و همه پلها را پشت سر خود خراب می‌کند و به همراه بعضی از دوستان مؤمن و همفکرش رهسپار مصر می‌شود و مدت دو سال در زمان عبدالناصر، سخت‌ترین دوره‌های چریکی و جنگ‌های پارتیزانی را می‌آموزد و به‌عنوان بهترین شاگرد این دوره شناخته می‌شود و فوراً مسئولیت تعلیم چریکی مبارزان ایرانی به عهده او گذارده می‌شود.

سعی شهید چمران همیشه این بود که با کمترین خسارت، بزرگترین پیروزی را به‌دست بیاورد. مثلاً در فتح دهلاویه، تنها یک شهید دادیم. شب، حمله را شروع می‌کنند، پل چریکی می‌زنند و از

رودخانه رد می‌شوند و می‌آیند آن طرف را می‌گیرند و در دهلاویه مستقر می‌شوند. شهید چمران در پیام خود به ملت ایران به مناسبت عملیات غرورآفرین پاوه می‌نویسد: «به هیچ وجه فکر نمی‌کردم که زنده بمانم و فریاد استغاثه من با این تشکر قلبی به شما برسد. در میان رگبار گلوله‌ها، در میان گرداب دشمنان، حتی یک لحظه امید زنده ماندن را نداشتم، ولی قاطعانه تصمیم گرفتم که با کمال افتخار به استقبال شهادت بروم و به دنیا نشان دهم که سربازان اسلام در صحنه مرگ و زندگی، چگونه جانبازی می‌کنند و چطور با مرگ روبه‌رو می‌شوند. از یک معرکه هولناک به صحنه دردناک دیگری می‌دویدم و با توکل مطلق به خدا و قبول آنچه بر ما مقدر کرده است، سعی می‌کردم که نیروهای مؤمن به انقلاب را متمرکز کنم، از تشتت آنها جلوگیری بنمایم، به دوستان مأیوس و دل شکسته‌ام امید بدهم، رسالت مقدس اسلامی را به آنها بازگو کنم و تصمیم قطعی برای استقبال شجاعانه شهادت را به آنها ابلاغ کنم.»

۱۱. ایده پردازی توأم با عمل‌گرایی

دکتر چمران فرمانده ورزیده‌ای بود. وقتی طرحی را ارائه می‌داد، خودش زیباتر و بهتر و زودتر از همه آن را اجرا می‌کرد و منتظر کسی نمی‌ماند. کلاه سبزه‌های آن دوره که در امریکا و فرانسه دوره‌های خاصی دیده بودند، می‌گفتند ما فقط دکتر چمران را قبول داریم، چون می‌دانستند که او فرماندهی است که طرحش را اجرا می‌کند. او در ارائه طرح‌های نظامی آنچنان دقیق بود که هیچ نکته‌ای را از قلم نمی‌انداخت. ایشان با استعداد و نبوغی که داشت، ابتکارات و شیوه‌های جدید اختراع کرد و در راه مبارزه با ارتش صدام، آنها را به کار برد و توانست پیشروی ارتش صدام را متوقف کند و ضربات شکننده‌ای بر ارتش رژیم بعثی وارد کند.

دکتر چمران از سکون و عدم تحرکی که در جبهه‌ها وجود داشت، دائماً رنج می‌برد و تلاش می‌کرد که با ارائه پیشنهادها و برنامه‌های ابتکاری، حرکتی به وجود آورد و اغلب آنها را نیز از طریق رزمندگان شجاع و جان برکف ستاد با پیشگامی خود عملی می‌ساخت. حتی در زمان بستری بودنش در بیمارستان، در مقابلش نقشه‌های نظامی منطقه، مقدار پیشروی دشمن و حرکت نیروهای خودی را نصب کرده بود و دائماً به آنها می‌نگریست و مرتب طرح‌های جالب و پیشنهادات سازنده در زمینه‌های مختلف نظامی، مهندسی و حتی فرهنگی ارائه می‌کرد.

شهید دکتر چمران نمونه‌ای برجسته از هجرت، جهاد و شهادت و نماد پرهیزکاری و ایثار است. وی با بینش و بصیرت عمیق خود و همچنین توان علمی کم نظیر، خدمات بسیار ارزشمندی از خود

برجای گذاشت که مستندسازی تجربیات درس‌آموز وی در بسیاری از زمینه‌های مدیریتی و اجرایی راهگشاست. وی در زمانه‌ای می‌زیست که نهضت اسلامی در غربت به سر می‌برد و او نیز خود سالها رنج غربت را به جان خرید تا به ثمر نشستن انقلاب اسلامی را به نظاره بنشیند. در این دوران که امکان دسترسی به امام(ره) و شاگردان وی به راحتی امکانپذیر نبود و نهضت اسلامی زیر شدیدترین حملات دشمنان اسلام قرار داشت، با توشه‌ای از بصیرت و اخلاص به غرب و شرق بار سفر بست و به عنوان افسری آتش به اختیار، با توجه به مصالحی که جهان اسلام با آن روبه‌رو بود، آثار ماندگاری را در ایران، امریکا، مصر و لبنان از خود برجای گذاشت. از آنجا که پرداختن به جنبه‌های مختلف شخصیتی این سردار مجاهد در این نوشته امکانپذیر نبود، نگارنده با توجه به بضاعت ناچیز خود تلاش کرد تا فقط مفهوم آتش به اختیار را بر اساس سیره نظری و عملی این بزرگوار تبیین کند و قطعاً وجوه زندگی پربرکت ایشان درس‌آموخته‌های بسیاری دارد که هر کسی به فراخور علائق خود می‌تواند خوشه‌چین آن باشد. رحمت خداوند بر آن مرد الهی باد.

سید محمد مقیمی

moghimi@ut.ac.ir

<http://www.prof-moghimi.ir>